

بررسی وثاقت

ابوجمیلہ مفصل بن صالح *

□ صالح منتظری^۱

چکیده

ابوجمیلہ مفصل بن صالح، از راویان برجسته‌ای است که روایات بسیاری از وی در کتب روایی شیعه گزارش شده و از راویان کثیرالحديث به حساب می‌آید و در کتب رجالی از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیه السلام معرفی شده است. نظرات درباره وثاقت وی ضعیف و یا مختلف است. اغلب بزرگان با استناد به عبارات نجاشی، ابن غضائری، علامه حلی و ابن داود حلی، او را تضعیف نموده‌اند تا جایی که عدم وثاقتش نزد علما شهرت یافته است. در مقابل، برخی علما قائل به وثاقت وی هستند. پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی - تحلیلی به طرح دیدگاه‌های موجود درباره مسئله حاضر پرداخته و نگارنده با بررسی نظرات مختلف و ادله قائلان هریک از اقوال، با استفاده از روش تضارب آراء به نقد و بررسی هریک از دلایل اقدام کرده است و ادله قائلان به تضعیف مفصل بن صالح را تمام ندانسته است و با استناد به برخی از توثیقات عامه، نظیر کثرت نقل روایت

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

۱. استادیار گروه حقوق اسلامی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (نویسنده مسئول)
(salehmontazeri@ujsas.ac.ir)

اجلاء و روایت مشایخ ثلاثه که جز از ثقات روایت نمی‌کنند، وثاقت وی را ثابت دانسته است. لذا به نظر نگارنده، مفصل بن صالح ثقه و امامی است.
واژگان کلیدی: ابوجمیل، مفصل بن صالح، توثیق.

مقدمه

مفصل بن صالح اسدی صاحب کتاب بوده و شغلش دلالتی چهارپایان و برده‌فروشی بوده است. همچنین گفته شده که وی آهنگر بوده و از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیه السلام به شمار می‌رفته و در زمان حیات امام رضا علیه السلام از دنیا رفته است (طوسی، ۱۴۱۳: ۳۰۷، ۳۰۸ و ۳۲۵؛ همو، ۱۴۱۷: ۱۷۰؛ برقی، ۱۴۱۹: ۳۴؛ علامه حلی، بی‌تا: ۲۵۸؛ ابن داود حلی، ۱۳۸۳: ۵۱۸؛ حسینی تفرشی، ۱۴۱۸: ۴۰۶/۴-۴۰۷؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۸۸؛ موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۲۸۶/۱۸، ۲۸۶/۲۱ و ۹۶/۹۹؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۲؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۱۰۲ و ۳۹۷؛ همو، ۱۳۹۲: ۱۰ و ۲۲؛ همو، ۱۳۹۸: ۱۱ و ۱۴؛ مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۱۱۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸: ۷ و ۱۷).
 کتبه ابوعلی (طوسی، ۱۴۱۳: ۳۰۷) و ابوجمیل (برقی، ۱۴۱۹: ۳۴) برای وی ذکر شده است؛ اما کتبه‌ای که به آن معروف است و در اکثر روایات با آن کتبه نقل روایت می‌نماید، ابوجمیله است (۳۱۲ سند از اسناد روایات کتب اربعه). در برخی پژوهش‌ها که اخیراً انتشار یافته،^۱ اسنادی که وی در آن‌ها حضور دارد، در مجموع کتب اربعه و *وسائل الشیعه* ۸۸۹ و در کتب اربعه ۴۳۲ عدد می‌باشد. بنابراین با این تعداد روایت، مفصل بن صالح، راوی کثیرالحديث محسوب می‌گردد که در صورت اثبات وثاقت وی، بسیاری از احادیث تصحیح شده و عمل به آن‌ها بلااشکال است. علت گرایش نگارنده به این موضوع، دروس خارج فقه مقام معظم رهبری می‌باشد؛ زیرا با مطالعه بحث خارج فقه غناء و موسیقی ایشان، این نتیجه حاصل گردید که ایشان از قائلان به ضعف مفصل بن صالح است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: جلسه ۲۶۴/۱۰۲؛ همو، ۱۳۸۸: جلسه ۳۰۷/۳۹۷)، لکن ایشان در سال‌های بعد از این نظر برگشته و قائل به وثاقت وی شده است (همو، ۱۳۹۲: ۵۹۳؛ همو، ۱۳۹۸: ۶-۷؛ همو، ۱۳۹۸: ۱۲۴). همچنین بر اساس تحقیق

۱. مراد نرم‌افزار درایة‌النور است که بر اساس آخرین تتبعات آیه‌الله سیدموسی شبیری زنجان‌ی سامان یافته است.

نگارنده، تا کنون هیچ پژوهشی به صورت مستقل در رابطه با شخصیت رجالی و اعتبارسنجی روایات مفصل بن صالح به رشته تحریر درنیامده است.

بسیاری از فقها به دلایلی همچون کذب و جعل روایت، او را تضعیف نموده‌اند؛ اما عده‌ای دیگر (عمدتاً معاصر)، ابوجمیله را ثقه دانسته و عمل به روایات وی را بدون اشکال می‌دانند. در ادامه، مستندات هریک از این اقوال مورد بحث قرار گرفته است.

۱. قول اول: ضعف مفصل بن صالح

۱-۱. دلیل اول: تضعیف نجاشی

نجاشی در شرح حال جابر بن یزید می‌نویسد:

«روی عنه جماعة غمز فيهم وضعفوا، منهم: عمرو بن شمر ومفضل بن صالح ومنخل بن جميل ويوسف بن يعقوب» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۲۸).

در توضیح عبارت فوق گفته شده است که یکی از علما به نام جابر بن یزید جعفری، شاگردانی داشته که از جمله آن‌ها ابوجمیله بوده است؛ لذا نجاشی در ترجمه جابر بن یزید و بعد از توثیق او، مفصل بن صالح را تضعیف نموده و می‌نویسد: شاگردان جابر بن یزید که از وی روایت نقل کرده‌اند، گروهی بودند که درباره آن‌ها طعن وارد شده است و عیب‌جویی و تضعیف شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به عمرو بن شمر، مفصل بن صالح، منخل بن جميل و يوسف بن يعقوب اشاره نمود (سبحانی، ۱۳۹۱/۶/۲۹؛ همو، ۱۳۸۹: ۲۳۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۷). بنابراین اگرچه نجاشی در کتاب رجالش، مفصل بن صالح را به عنوان راوی مستقل ذکر نکرده است و در ترجمه راوی دیگری، ابوجمیله را از راویانی برشمرده که به تعبیر ایشان: «غمز فيهم وضعفوا» (حسینی تفرشی، ۱۴۱۸: ۴۰۶/۴-۴۰۷؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۷)، لکن در عین حال به تعبیر آیه‌الله خویی، عبارت نجاشی در ضعف او تصریح دارد (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۸۸/۱۳).

نقد دلیل اول

اینکه قول نجاشی، شهادت و تصریح به ضعف مفصل بن صالح باشد، به دلایل

مختلفی صحیح نیست (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۱۷۵)؛ همچنان که مقرر درس آیه الله خویی نیز در پاورقی می نویسد:

«این عبارت صریح در تضعیف نمی باشد؛ بلکه غایت این عبارت، عدم مناقشه در تضعیفی است که از جماعتی نقل شده است و نهایتاً این عبارت، ظهور در تضعیف دارد نه صراحت» (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۸۸/۱۳).

اما ایراداتی که به این دلیل وارد است، به قرار زیر می باشد:

اولاً؛ عبارت نجاشی در صورتی به ضعف مفصل بن صالح تصریح دارد که در شرح حال خودش این نکته را بیان کند؛ چرا که نجاشی و شیخ طوسی ملتزم هستند که اگر نقطه ضعفی در شخص باشد، آن را در شرح حال خود راوی ذکر کنند؛ همچنان که نجاشی به ضعف عمرو بن شمر (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۸۷)، منخل بن جمیل (همان: ۴۲۱) و یوسف بن یعقوب (همان: ۴۵۱) در شرح حال هریک تصریح نموده است. بنابراین چون نجاشی اصلاً از او به طور مستقل نام نبرده و بالتبع به ضعفش در شرح حال خود راوی تصریح نکرده است، لذا این عادت نجاشی دلالت دارد که مفصل بن صالح، ضعیف نیست؛ زیرا اگر نجاشی معتقد به ضعف او بود، حتماً از او به طور مستقل نام می برد و به ضعفش در شرح حال خود راوی اشاره می کرد. بنابراین نقل ضعف راوی خصوصاً در ترجمه شخصی دیگر، بدون ذکر نام وی و اشاره به ضعفش در شرح حال خودش، کاشف از عدم رضایت نجاشی به ضعف راوی است. مؤید این مطلب، آن است که شیخ طوسی در فهرست (طوسی، بی تا: ۴۷۵)^۱ و رجال خود (همو، ۱۴۱۳: ۳۰۸)^۲ و برقی

۱. ممکن است اشکال شود که شیخ طوسی در فهرست تنها ملتزم به یادکرد صاحبان کتاب بوده و درصدد بیان وثاقت یا ضعف آنان نبوده است. اما درست است که هدف اصلی ایشان نام بردن از صاحبان کتاب بوده و نه اشاره به وثاقت یا ضعف راویان، لکن با مراجعه به فهرست معلوم می گردد که ایشان در موارد متعدد - که تنها به چند مورد ارجاع می دهیم - به وثاقت (طوسی، بی تا: ۴، ۶-۸ و ۱۱-۱۲) و ضعف راویان نیز اشاره داشته است (همان: ۷، ۲۳، ۷۳، ۸۰، ۱۰۵ و ۱۴۰). لذا به این دلیل، ما نیز آن را در حد مؤید ذکر نموده ایم.

۲. ممکن است اشکال شود که ده ها و بلکه صدها راوی وجود دارند که شیخ در رجال نسبت به وثاقت یا ضعف آن ها اظهار نظر نکرده است. در مقابل نیز می توان ادعا کرد که ده ها و صدها راوی وجود دارند که شیخ در رجال - که تنها به چند مورد ارجاع داده می شود - به وثاقت (همو، ۱۴۱۳: ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۴۳ و ۱۴۵) و ضعفشان اشاره داشته است (همان: ۱۲۶، ۱۵۸، ۱۹۱، ۲۳۷، ۲۵۱، ۲۷۵ و ۲۸۹). لذا به این دلیل از آن به عنوان مؤید یاد شده است.

(برقی، ۱۴۱۹: ۳۴) تنها نام وی را برده‌اند و مدح یا ذمی نسبت به او بیان نکرده‌اند. به‌همین دلیل، مقرر درس آیه‌الله خویی در پاورقی، فرمایش استادش را خالی از اشکال نمی‌داند (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۸۸/۱۳).

ثانیاً؛ برخی فقها معتقدند از آنجا که قائل جمله نجاشی معلوم نیست و افعال استفاده شده مجهول است، می‌توان ادعا کرد که خود ایشان به عیب و ضعف حکم نمی‌کند؛ لذا اینکه چه کسی تضعیف کرده، مشخص نیست تا بتوان به حرفش اعتماد نمود. البته این کلام نجاشی، خالی از نوعی جرح مفصل بن صالح نیست؛ لکن آنچه صحیح به نظر می‌رسد، این است که تضعیف صریحی از ناحیه نجاشی وجود ندارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۰/۲۲ و ۱۳۹۸/۱۱/۱۴؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۷). البته برخی معتقدند که منشأ تضعیف، تضعیف ابن غضائری بوده است (شبیری زنجان، ۱۳۹۵/۹/۳۰؛ همو، ۱۴۱۹: ۷۸۱۳/۲۵؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۷)، که اگر این‌طور باشد، در دلیل سوم تضعیف، آن را مورد مناقشه قرار خواهیم داد.

ثالثاً؛ برخی نیز بر این باورند:

«تضعیفی که نجاشی ذکر کرده، به احتمال قریب به واقع، به‌خاطر اعتقاد غلوآمیز او بوده است؛ زیرا با مطالعه رجال نجاشی به دست می‌آید که وی به‌شدت از روش ابن غضائری متأثر بوده است و بعضی از تضعیف‌های او و یا بیشتر آن‌ها در جایی که علت آن را ذکر نکرده باشد، به‌خاطر اعتقاد غلوآمیز راوی بوده است، و از آنجا که مفهوم غلو در آن زمان، مفهوم تعریف‌شده‌ای نداشته است تا انسان غالی از انسان مقصّر بازشناخته شود، لذا می‌توان در کلام نجاشی خدشه کرد. البته دلیلی بر این احتمال نداریم؛ لکن کسی که به رجال نجاشی رجوع نماید، به این گمان می‌رسد» (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۳۱-۲۳۲).

پس حتی اگر ما این عبارت را بیانگر تضعیف مفصل بن صالح از سوی نجاشی نیز بدانیم، معلوم نیست که تضعیف مذکور به شخصیت وی برمی‌گردد و یا به عقیده او؛ زیرا در ادامه بیان خواهد شد که بسیاری از تضعیفات به‌ویژه در زمان ائمه علیهم‌السلام، به عقیده روات بازمی‌گشت و برخی با توجه به عقیده و دیدگاهی که نسبت به غلو داشتند، راوی را تضعیف می‌نمودند و تضعیفات مبتنی بر غلو محل اشکال است.

بنابراین با عنایت به متأثر بودن نجاشی از ابن غضائری و لحاظ نمودن غلو راوی در تضعیفات ایشان نیز می‌توان این تضعیف را ناشی از اعتقاد به غلو دانست و آن را معتبر نشمرد.

۲-۱. دلیل دوم: تسالم اصحاب بر ضعف مفضل بن صالح

از عبارت نجاشی که در دلیل اول ذکر شد، مرحوم آیه‌الله خویی تسالم اصحاب بر ضعف «ابوجمیل» را استفاده نموده است (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۲۸۷/۱۸؛ ۳۱۲/۱۹).

نقد دلیل دوم

اولاً؛ از عبارت نجاشی، تسالم اصحاب بر ضعف «ابوجمیل» استفاده نمی‌شود (حسینی حائری، ۱۴۱۵: ۱۱۱)؛ زیرا حداکثر چیزی که از جمله نجاشی برمی‌آید، این است که مفضل بن صالح مورد تضعیف چند نفر قرار گرفته است که نام و جایگاه آنان برای ما مشخص نیست. در نتیجه از جمله ایشان، حتی تعداد بالای جارحان نیز اثبات نمی‌گردد؛ چه برسد به تسالم اصحاب امامیه بر ضعف مفضل بن صالح. کمااینکه در نقد دلیل اول اشاره شد که این عبارت دلالتی ندارد که نظر خود نجاشی نیز چنین باشد؛ زیرا ممکن است منشأ تضعیف، تضعیف ابن غضائری باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۷) و اگر ایشان قصد بیان تسالم اصحاب بر ضعف ابوجمیل را داشت، باید از عباراتی همچون «أصحابنا» استفاده می‌نمود، نه اینکه آن را با فعل مجهول بیان نماید (شبییری زنجانی، ۱۳۹۵/۹/۳۰؛ همو، ۱۴۱۹: ۷۸۱۳/۲۵).

ثانیاً؛ اگر ضعف مفضل بن صالح متسالم میان اصحاب امامیه می‌بود، باید شیخ طوسی در دو کتاب فهرست و رجال خود به این موضوع اشاره می‌نمود و یا حداقل متذکر ضعف وی می‌گشت (همان‌ها).

ثالثاً؛ عبارت نجاشی دالّ بر تسالم اصحاب بر ضعف مفضل بن صالح، با قرائنی همچون کثرت روایت اجلاء از او قابل جمع نمی‌باشد؛ زیرا امکان ندارد که ضعف شخصی نزد اصحاب متسالم باشد، ولی در عین حال اجلاء و بزرگان زیادی به وی اعتماد نموده و از او حدیث نقل نمایند.

۳-۱. دلیل سوم: تضعیف ابن غضائری

برخی علما، کلام ابن غضائری را یکی از ادله تضعیف مفضل بن صالح می‌دانند (حرّ عاملی، ۱۴۲۷: ۲۴۳؛ حسینی تفرشی، ۱۴۱۸: ۴/۴۰۷-۴۰۶؛ موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۱۹/۳۱۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۷)؛ زیرا وی ابوجمیل را ضعیف، دروغگو و جاعل حدیث می‌داند (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۸۸).

نقد دلیل سوم

اولاً؛ در انتساب کتاب به ابن‌غضائری تشکیک شده است و شیخ آقابزرگ تهرانی و آیه‌الله خویی، مؤلف کتاب را ابن‌غضائری نمی‌دانند (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۱/۹۶؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۴/۲۸۵؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۳/۹۴۵؛ ۷۸۱۴/۲۵؛ همو، بی‌تا: ۴/۳۵۵)؛ زیرا شیخ طوسی معتقد است که کتب رجالی ابن‌غضائری را از بین برده‌اند (طوسی، بی‌تا: ۲-۱؛ همو، ۱۴۱۳: ۲؛ سبحانی، ۱۳۸۹: ۸۱). البته برخی همچون آیه‌الله شبیری زنجانی معتقدند که مظنون است مؤلف کتاب، ابن‌غضائری باشد (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۳/۹۴۵؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۸)؛ لکن وجود چنین کتابی از ابن‌غضائری، در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی گزارش نشده و هیچ سند صحیحی برای انتساب آن به ابن‌غضائری وجود ندارد. به‌علاوه این ادعا که متن کتاب عالمانه و دقیق است، اثبات نمی‌کند که نویسنده کتاب به‌طور قطع ابن‌غضائری می‌باشد.

ثانیاً؛ بر فرض قبول اینکه نویسنده کتاب، ابن‌غضائری است، به جرح و تضعیف‌های او نمی‌شود به‌طور مطلق اعتماد کرد؛ زیرا ایشان خیلی‌ها را به ضعف و کذب رمی می‌کند و کمتر کسی است که از قدح او سالم بماند (ایروانی، ۱۴۳۷: ۳۳۳)؛ کما اینکه از قول میرداماد در *الرواشح السماویة* نقل شده است:

«فأما ابن الغضائری، فمسارع إلى الجرح حرّداً، مبادر إلى التضعیف شططاً... قل أن یسَلِّم أحد من جرحه أو ینجو ثقة من قدحه» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۴/۱۰/۲۷).

در نتیجه با تضعیفات ابن‌غضائری باید با احتیاط برخورد نمود؛ زیرا تضعیفاتش مستند به حس و شنیدن از مشایخ نبوده، بلکه مستند به حدس و متون کتاب‌ها می‌باشد و چنین تضعیفاتی، اجتهادی بوده و تنها با ملاحظه متن روایت که مثلاً روایتی دارای

مضمون غلوآمیز در مسئله ولایت بوده، بدون آنکه شاهی از خارج داشته باشد، راویان را جرح کرده و روایت را جعلی شمرده است.

یکی از مؤیدات عدم اعتماد به تضعیف‌های ابن‌غضائری این است که ایشان در مورد وهب بن وهب می‌نویسد:

«کذاب سنی است الا اینکه از جعفر بن محمد علیه السلام روایاتی را نقل کرده که همه‌اش قابل اعتماد است» (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۱۰۰).

اما وقتی به اصحاب خاص اهل بیت علیهم السلام مانند معلی بن خنیس یا مفضل بن عمر می‌رسد، معتقد است که روایات این‌ها پذیرفته نیست (همان: ۸۷). در ترجمه ابوالخطاب نیز می‌نویسد:

«روایات این شخص حتی در دوران استقامت نیز پذیرفته نیست» (همان: ۸۸).

لذا بی‌دلیل نیست که مجلسی اول، ابن‌غضائری را به بی‌تقوایی و عدم پرهیزگاری متهم کرده است (سلطانی، ۱۴۰۰/۱۱/۲۲).

۴-۱. دلیل چهارم: روایت منقول از کتاب رجال ابن‌غضائری

بنا بر گفته ابن‌غضائری، مفضل بن صالح علیه خود اقرار به جعل حدیث کرده و می‌گوید: نامه معاویه به محمد بن ابی‌بکر را من جعل کردم (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۸۸). آیه‌الله هاشمی شاهرودی در توضیح کلام ابن‌غضائری می‌گوید:

«در تاریخ گفته شده است که معاویه نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر، وقتی که از طرف امیرالمؤمنین به ولایت مصر منصوب شده بود، نوشته است که او را به طرف خود دعوت کرده است. لذا ابی‌جمیله می‌گوید: این نامه را من جعل کرده‌ام» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

در نتیجه، بعضی این کلام ابن‌غضائری را نیز یکی از ادله تضعیف مفضل بن صالح می‌دانند (مازندرانی‌خواجویی، ۱۴۱۳: ۲۷۸؛ موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۳۱۱-۳۱۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱؛ محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۷).

نقد دلیل چهارم

ایراد اول

روایت مذکور اشکال سندی دارد؛ زیرا در سند آن علی بن محمد بن زبیر قرار دارد که به دلیل جهالت و عدم توثیقش در کتب رجال، بسیاری او را تضعیف نموده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۱۵۱/۱۳؛ همو، ۱۴۰۹: ۱۲۵/۱؛ همو، ۱۴۱۸: ۴۴۴/۱ و ۵۲۲؛ همو، ۱۴۱۸: ۲۶۸/۲-۲۶۹؛ همو، ۱۴۲۲: ۷۰/۷ و ۲۸۹/۱۱: ۴۱۹/۲۱، ۵۰/۲۱ و ۲۰۲-۲۰۱؛ ۴۷۹: ۹۳/۳۱؛ ۱۵۶/۴۲؛ همو، بی‌تا: ۵۱/۱، ۵۳، ۱۹۰-۱۹۱ و ۴۴۸؛ صدر، ۱۴۰۸: ۲۸۹/۲؛ تبریزی، ۱۴۱۶: ۳۷۱/۱؛ همو، ۱۴۲۶: ۲۵۵/۴؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۶۱؛ حسینی حائری، ۱۴۱۵: ۶۰؛ مدرسی یزدی، ۱۴۱۰: ۳۰۰ و ۴۱۴). اما این اشکال وارد نیست و علی بن محمد بن زبیر، همان‌طور که برخی گفته‌اند، بنا بر تحقیق ثقة می‌باشد (مدنی کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۶۳؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۱۲۱/۴؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵: ۲۶-۲۴)؛ زیرا: اولاً؛ امام خمینی معتقد است که از راه کثرت روایات علی بن محمد بن زبیر و عمل اصحاب و اعتنای مشایخ و بزرگان به روایاتش، می‌توان به وثاقتش حکم نمود و روایاتش را قبول کرد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۲۵۲/۱ و ۲۵۹-۲۵۸).

ثانیاً؛ بعضی فقها معتقدند که شیخ اجازه بودن برای اثبات وثاقت او کفایت می‌کند و توثیق وی از ناحیه مشایخ اجازه، کاری آسان است (ایروانی، ۱۴۲۷: ۴۴۲/۲؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵: ۲۴).

ثالثاً؛ ممکن است گفته شود که در خیلی مواقع، شیخ طوسی کتاب‌های علی بن حسن بن فضال را به‌وسیله علی بن محمد بن زبیر روایت می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷: ۵۰ و ۵۶) و «آشکار است که شیخ جز به روایت راوی ثقة عمل نمی‌نماید» (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵: ۲۴)، در نتیجه اشکال سندی وارد نیست.

ایراد دوم

اگر از منظر اشکال سندی نیز جواب دهیم، سخن ابن غضائری که آن را مسنداً از معاویه بن حکیم درباره اقرار مفصل بن صالح به جعل نقل می‌کند، قابل مناقشه است؛ زیرا این مطلب، معنای روشنی نداشته (شبیری زنجانی، ۱۳۹۵/۹/۳۰) و لزوماً بر جاعل بودن دلالت ندارد. کمااینکه آیه‌الله شبیری زنجانی وجوه سه‌گانه‌ای را در این باره مطرح

نموده است که با وجود این احتمالات، اقرار او به جعل، دلالتی بر ضعفش نخواهد داشت (همو، ۱۴۱۹: ۹۴۶-۹۴۷/۳؛ ۷۸۱۵/۲۵؛ همو، ۱۳۹۳/۱۲/۱۷؛ همو، ۱۳۹۵/۹/۳۰).

۵-۱. دلیل پنجم: قول متأخران

برای این دلیل می‌توان به قول علامه حلی و ابن داود اشاره کرد (علامه حلی، بی‌تا: ۲۵۸؛ ابن داود حلی، ۱۳۸۳: ۵۱۸).

نقد دلیل پنجم

اولاً؛ همان‌طور که پیداست، این دو نفر به کلام ابن‌غضائری استناد نموده‌اند؛ همچنان‌که برخی علما معتقدند کلامی که علامه حلی در ضعف ابوجمیل ذکر کرده، از ابن‌غضائری گرفته است (وحید بهبهانی، ۱۱۹۰: ۱۴۰؛ مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۳۰۹/۶-۳۱۰؛ سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۳۱) و اماره این امر نیز عبارات تضعیف در این دو کتاب می‌باشد که عیناً عبارات کتاب رجال ابن‌غضائری است و همان‌طور که قبلاً گفته شد، تضعیف و تعدیل‌های ابن‌غضائری قابل اعتنا نیست (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۳۱). بنابراین با خدشه در تضعیفات کتاب ابن‌غضائری، تضعیفات متأخران نیز وجاهتی ندارد.

ثانیاً؛ حتی اگر این تضعیفات را برگرفته از تضعیف ابن‌غضائری ندانیم، خود تضعیفات متأخران نیز مستقلاً قابل اعتنا نیستند؛ چرا که نظر این علما اجتهادی و حدسی است نه حسی؛ یعنی بر اساس اقوالی که در رابطه با ابوجمیل وجود داشته است و اماراتی که ملاحظه کرده‌اند، وی را تضعیف نموده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۴۲/۱).

۲. قول دوم: توثیق

در خصوص اثبات وثاقت ایشان به تعدادی از توثیقات عامه^۱ استناد گردیده است که این توثیقات به قرار ذیل می‌باشند:

۱. توثیق دو گونه است: توثیق خاص یا ویژه و توثیق عام. توثیق خاص یعنی بی‌آنکه قاعده خاصی باشد که بتوان آن را به دیگران سرایت داد، توثیق به شخص یا اشخاص معینی برگردد (ایروانی، ۱۴۳۷: ۳۳ و ۱۷۱؛ سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۴۱؛ مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۸-۲۷). ولی توثیق عام یعنی توثیق به گروهی که تحت یک عنوان کلی هستند، به گونه‌ای که اگر کسی در این گروه باشد، می‌توان به وثاقت او حکم کرد (ایروانی، ۱۴۳۷: ۳۳ و ۱۷۱؛ سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۳۱، ۱۴۳-۳۰۱؛ مهدوی، ۱۳۹۱: ۲۷-۵۰).

۱- یکی از دلایل توثیق مفضّل، از اصحاب امام بودن است (حزّ عاملی، بی‌تا: ۸۲؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۷: ۶۱). لذا چون مفضّل بن صالح در زمره اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام ذکر شده است (طوسی، ۱۴۱۳: ۳۰۸ و ۳۲۵؛ برقی، ۱۴۱۹: ۳۴؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۸۸؛ علامه حلی، بی‌تا: ۲۵۸؛ موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۱۸/۲۸۶؛ ۲۱/۹۶؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۷)، می‌توان به وثاقتش حکم نمود.

ایراد: صرف اینکه یک نفر از اصحاب امام باشد، سبب احراز ممدوح بودن راوی نمی‌گردد تا چه رسد به وثاقت و عدالت؛ زیرا در بین اصحاب ائمه علیهم‌السلام بعضی ثقه و بعضی غیرثقه بوده و حتی کسانی هستند که فساد رفتارشان نیازی به بیان ندارد (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۷۷/۱؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۸).

۲- یکی از قرائن وثاقت، صاحب کتاب بودن است (سند بحرانی، ۱۴۲۹: ۱۶۸-۱۷۰؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۸۶/۱؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴: ۱۰۸/۱). لذا از آنجا که شیخ طوسی در مورد مفضّل بن صالح می‌نویسد: «له کتاب» (طوسی، بی‌تا: ۴۷۵)، می‌توان به وثاقتش حکم نمود. ایراد: کتاب داشتن، سبب احراز وثاقت راوی نمی‌گردد. حتی وحید بهبهانی که بسیاری از توثیقات عامه را که دیگران قبول ندارند، قبول می‌کند، این اماره را ضعیف‌ترین ادله حسن راوی می‌داند (وحید بهبهانی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). به همین خاطر، آیه‌الله خویی نیز در این باره می‌نویسد:

«پاسخ این امر واضح است؛ چراکه مؤلفین کذاب و وضّاعی نیز وجود داشته‌اند که برخی از آن‌ها را نجاشی و شیخ طوسی ذکر نموده‌اند» (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۷۸/۱).

در نتیجه، مراد از ممدوح بودن راوی، انتساب هر مدحی به او نیست؛ بلکه مدحی است که در نگاه رجالیان، دارای ارزش باشد و اگرچه او را به مرتبه عدالت نرساند، اما منزلتش را در راستای اینکه بتوان به سخنش اعتماد کرد، بیان کند.

۳- با مراجعه به برخی پژوهش‌هایی که اخیراً انتشار یافته‌اند^۱ و همچنین برخی کتب رجالی، درمی‌یابیم که مفضّل بن صالح از بزرگان و اجلاء اصحاب روایت نموده است (همو، ۱۴۰۹: ۱۸/۲۸۵ و ۲۸۹؛ ۲۱/۹۷). لذا با توجه به مبنای برخی علما که روایت راوی از

۱. مراد نرم‌افزار درایة‌النور است که بر اساس آخرین تبعات آیه‌الله سیدموسی شبیری زنجانی سامان یافته است.

اجلاء را از توثیقات عامه می‌دانند (وحید بهبهانی، ۱۱۹۰: ۱۴۵؛ موحد ابطحی، ۱۴۱۷: ۸۸/۵)، می‌توان به وثاقتش حکم نمود.

ایراد: این اماره یکی از ضعیف‌ترین قرائن جهت اثبات وثاقت مفصل بن صالح می‌باشد؛ زیرا: اولاً چنان‌که بیان گردید، اصحاب امام بودن موجب وثاقت راوی نیست تا چه رسد به این مورد؛ به‌علاوه، چه بسیار شاگردان ناخلفی که از استادان ثقه تلمذ نموده‌اند. ثانیاً از آنجا که نسبت دروغ به اجلاء امری ممکن است، لذا این قرینه نمی‌تواند بیانگر وثاقت وی باشد.

۴- برخی بزرگان ثقات از مفصل بن صالح بلاواسطه روایت نقل کرده‌اند و چون روایت اجلاء از فردی دلیل بر وثاقتش محسوب می‌شود (همان‌ها)، لذا می‌توان گفت که مفصل بن صالح توثیق می‌شود (وحید بهبهانی، ۱۱۹۰: ۱۴۰؛ مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۳۰۹/۶؛ موحد ابطحی، ۱۴۱۷: ۸۸/۵؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۹۴۵/۳؛ گرامی قمی، ۱۳۹۴/۱۰/۲۸؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۸).

بر اساس برخی پژوهش‌های منتشرشده اخیر^۱، تعداد روایات اجلاء از او در کتب اربعه و وسائل الشیعه به شرح جدول زیر می‌باشد:

ردیف	نام اجلاء	مجموع کتب اربعه و وسائل الشیعه	کتب اربعه	روایات غیرمشارک وسائل الشیعه و کتب اربعه ^۲	روایات مشارک وسائل الشیعه و کتب اربعه
۱	حسن بن علی بن فضال	۱۷۱	۳۸۸	۱۶	۶۷

۱. مراد نرم‌افزار سابق‌الذکر می‌باشد.
۲. مراد روایاتی است که شیخ حرّ عاملی از محاسن، نوادر احمد بن محمد بن عیسی، مقنعه، کامل الزیارات، تفسیر علی بن ابراهیم، مستطرفات سرائر، معتبر و برخی از کتب شیخ صدوق نظیر توحید، خصال، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، معانی الاخبار، امالی و علل الشرائع نقل نموده است. لذا همان‌طور که در جدول پیداست، با بررسی نویسنده و با عدم احتساب روایات مشارک بین وسائل الشیعه و کتب اربعه، تعداد روایات اجلاء از ایشان کاهش پیدا می‌کند.
۳. البته اگر روایتی را که با عنوان «الحسن» آمده و مشارک بین حسن بن علی بن فضال و حسن بن محبوب است، در زمره روایات ابن‌فضال به شمار بیاوریم، تعداد روایات وی از مفصل بن صالح، ۸۹ روایت می‌شود و اگر آن را در زمره روایات ابن‌محبوب به حساب بیاوریم، تعداد روایات وی از مفصل، ۳۰ روایت می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۶۱/۱۰).

۲	یونس بن عبدالرحمن	۳۲	۱۹	۲	۱۱
۳	صفوان بن یحیی	۳	۱	۱	۱
۴	محمد بن ابی عمیر	۱	۰	۱	۰
۵	عبدالله بن مغیره	۲	۱	۰	۱
۶	حسن بن محبوب	۵۷	۲۹	۴	۲۴
۷	احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی	۱۰۲	۴۹	۷	۴۶
۸	عثمان بن عیسی	۲	۰	۲	۰
۹	جعفر بن بشیر	۱	۱	۰	۰
۱۰	حسن بن علی وشاء	۱۳	۴	۰	۹
۱۱	علی بن حکم انباری	۳۸	۱۸	۲	۱۸
۱۲	ثعلبة بن میمون	۵	۲	۱	۲
۱۳	عباس بن عامر قصبانی	۷	۴	۰	۳
۱۴	عبدالرحمن بن ابی نجران	۲۹	۱۱	۷	۱۱
۱۵	عبیس بن هشام ناشری	۳	۲	۰	۱
۱۶	محمد بن عیسی بن عبید	۴	۲	۰	۲
۱۷	موسی بن قاسم بجلی	۴	۲	۰	۲
۱۸	محمد بن حسین بن ابی خطاب	۱	۰	۱	۰
۱۹	محمد بن یعقوب کلینی	۱	۱	۰	۰

بنابراین کثرت روایت اجلاء از مفضّل بن صالح اثبات می‌گردد. لذا مانحن‌فیه از باب مجرد نقل ثقات از یک فرد نیست تا اشکال شود که چنین چیزی، دلیل بر ثقه بودن مرویّ عنه نیست (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۷۰/۱؛ ۳۳/۱۴؛ ۱۹۱/۱۵)؛ بلکه از باب کثرت روایت ثقات از راوی است که یکی از توثیقات عام رجالی می‌باشد (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۹۹-۳۰۰). بنابراین فرق است بین کثرت روایت که دلیل بر وثاقت می‌باشد و روایت اجلاء که دلیل بر وثاقت نیست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۸/۲۹). علاوه بر این، با فرض اینکه روایت هریک از اجلاء از مفضّل بن صالح به حد کثرت نرسد، می‌توان گفت که طبق نظر برخی محققان، در اکثر روایت اجلاء لازم نیست که یک جلیل، روایات متعددی از راوی نقل کند؛ بلکه اکثر مجموع اجلاء از یک راوی، دالّ بر وثاقت اوست (شبییری زنجان، ۱۳۹۶/۹/۲۵). به عبارت دیگر، روایت بزرگان بسیاری از یک نفر، دلیل بر وثاقت

آن شخص محسوب می‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۸/۲۹).

۵- یکی از قرائن وثاقت، کثیرالروایه بودن ابوجمیله است (وحید بهبهانی، ۱۱۹۰: ۱۴۰؛ مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۳۰۹/۶؛ موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۲۸۶/۱۸ و ۲۸۷/۱۹؛ لاری، ۱۴۱۸: ۵۱۷). مقصود از عنوان «کثرت روایت» نیز می‌تواند هم «فراوانی روایات خود راوی» باشد (وحید بهبهانی، ۱۱۹۰: ۱۴۳؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۴۳/۱۴؛ سند بحرانی، ۱۴۲۹: ۱۶۳) و هم «فراوانی روایات دیگران از راوی»، که این مقدار روایت برای تحقق کثرت، با مراجعه به عرف مشخص می‌شود (مهدوی، ۱۳۹۱: ۴۹)؛ به‌ویژه روایات محکمی که بر اساس آن‌ها فتوا داده شده است (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۳۰۹/۶؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۷). لذا با توجه به تعداد روایات وی می‌توان گفت که ابوجمیله مشمول معنای نخست شده و به‌علاوه همان‌طور که بیان شد، چون برخی اجلاء، روایات زیادی را از ابوجمیله نقل کرده‌اند، معنای دوم نیز در موردش صادق می‌باشد. در نتیجه او، مشمول یکی دیگر از توثیق‌های عام رجالی (یعنی راوی ثقه از کسی بسیار حدیث نقل کند) می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۹۹-۳۰۰).

۶- حسن بن علی بن فضال، کتاب ابوجمیله را نقل کرده و همان‌طور که بیان شد، روایات زیادی از مفضل نقل نموده است. با وجود این، آیا می‌توان مدعی شد که حسن بن علی بن فضال در حالی که به جاعل بودن مفضل بن صالح اعتقاد داشته، کتاب و آن‌همه روایت از او نقل می‌کند؟ در نتیجه مطمئناً حسن بن علی بن فضال چنین عقیده‌ای نداشته است (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹: ۹۴۵/۳؛ ۷۸۱۵-۷۸۱۶؛ همو، ۱۳۹۵/۹/۳۰؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۸).

۷- همان‌طور که قبلاً اشاره شد، برخی از اصحاب اجماع^۱ نظیر یونس بن عبدالرحمن، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی‌عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب،^۲ احمد بن

۱. یکی از توثیقات عام رجالی، قاعده اجماع می‌باشد (مهدوی، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۹) که ریشه بحث در رابطه با آن، سخنی است که کُشی در سه جای رجال خود نقل کرده است (کُشی، بی‌تا: ۲۳۸، ۳۷۵ و ۵۵۶). پس از ایشان، علمای دیگری نیز این قاعده را بیان نموده‌اند (جبعی عاملی، ۱۴۲۴: ۳۶۰/۳؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۱۱/۴ و ۲۸۰؛ ابن‌داود حلی، ۱۳۸۳: ۲۰۹).

۲. البته در مورد وی اختلاف است که از اصحاب اجماع می‌باشد (کُشی، بی‌تا: ۵۵۶؛ سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۴۵ و ۱۴۸-۱۴۷). با توجه به این اختلاف، مقام معظم رهبری ابتدا قائل بود که حسن بن محبوب از اصحاب اجماع است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۸)، لکن ایشان بعدها تردید نمود در اینکه حسن بن محبوب از اصحاب اجماع باشد (همو، ۱۳۹۸: ۱۰۶ و ۱۸۴-۱۸۵).

محمد بن ابی نصر بزنطی، حسن بن علی بن فضال^۱ و عثمان بن عیسی^۲ از او روایت نقل کرده‌اند.

۸- همان‌طور که قبلاً بیان شد، مشایخ ثلاثه (ابن ابی عمیر، بزنطی و صفوان) که در شأن آن‌ها گفته شده است: «لا یروون ولا یرسلون إلا عمّن یوثق به» (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۵۴؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۵۶۶/۲؛ ۴۴۴۴/۱۳؛ ۶۴۹۴/۲۰؛ ۶۹۱۸/۲۲)، از مفضّل بن صالح روایت کرده‌اند و حتی بزنطی روایات فراوانی را از او نقل کرده است (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۶۴/۱). بنابراین علی‌رغم مخالفت برخی از معاصران (همو، ۱۴۰۹: ۲۹/۱۴؛ گلی شیردار، ۱۳۹۶: ۱۰۲)، مطلب منقول از شیخ، نزد علما اجماعی است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۲/۲؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۷: ۱۲۲-۱۲۰/۵؛ ابن طاووس حلّی، ۱۴۰۶: ۱۵۸؛ محقق حلّی، ۱۴۰۷: ۴۷/۱؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۳۴۴/۱؛ علامه حلّی، ۱۴۲۵: ۴۶۱/۳؛ عاملی جزینی، ۱۴۱۹: ۴۹/۱؛ ابن فهد حلّی، ۱۴۰۷: ۸۱/۱؛ کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۱۵۹/۱؛ جبعی عاملی، ۱۴۰۲: ۹۳۷/۲؛ حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۳۰۷-۳۰۶؛ همو، ۱۴۲۶: ۳۹۵/۲؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۹، ۱۴، ۵۸-۵۹، ۱۱۰-۱۱۱ و ۳۸۹؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۲۰۰/۲۰؛ حسینی حائری، ۱۳۹۹: ۱۷۵؛ همو، ۱۴۱۵: ۱۱۱ و ۵۹۹؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۷: ۳ و ۵؛ وحید بهبهانی، ۱۱۹۰: ۱۴۶؛ شبیری زنجانی، ۱۳۶۲: ۱۹۴-۱۹۳؛ سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۰۰).

ایراد: برخی اشکال نموده‌اند اینکه مشایخ ثلاثه جز از ثقات روایت نمی‌کنند، جای تردید جدی دارد؛ زیرا آیه‌الله سبحانی در این باره می‌نویسد:

«آنچه که بسیار مهم است، اشکال چهارم به این مبناست و آن این است که ثابت شده است که در مسانید آن‌ها، روایت از ضعیف وجود دارد و با وجود آن، چگونه می‌توان ادعا کرد که آن‌ها فقط از ثقه روایت و یا ارسال داشته‌اند؟» (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۱۰).

لکن ایشان این ایراد را تفصیلاً مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و رد نموده است و به تعبیر خودش، این موارد اشکالاتی است که از آیه‌الله خویی در معجم رجال الحديث و صاحب مشایخ الثقات وارد شده است. آیه‌الله سبحانی به‌طور خلاصه جواب‌هایی

۱. اصحاب اجماع بودن حسن بن علی بن فضال نیز محل اختلاف است و آیه‌الله شبیری زنجانی علاوه بر مختار خویش (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۴۸۷/۲) می‌گوید: مختار خود کُشی و مشهور نیز حسن بن محبوب است نه ابن فضال (همان: ۵۷۱۹/۱۸ و ۵۷۵۲).
۲. با توجه به کلام کُشی (کُشی، بی‌تا: ۵۵۶)، علی‌رغم وثاقت عثمان بن عیسی، اصحاب اجماع بودنش متفق علیه نیست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۳۴۶-۳۴۷).

مطرح کرده است که عبارت‌اند از:

الف) بسیاری از این افراد ضعیف، جزء مشایخ آن ثقات نیستند، بلکه هم‌ردیف آن‌ها هستند و عامل رخداد چنین اشتباهی آن است که گمان شده است این سه بزرگوار از آنان روایت نقل کرده‌اند؛ لذا به جای حرف «واو» عاطفه از حرف جاره «عن» استفاده کرده‌اند. چنان‌که صاحب *منتقى العجمان* نسبت به این امر توجه داده است. از این رو هم‌ردیف شخص را استاد و شیخ او تصور نموده‌اند.

ب) عده بسیاری که متهم به ضعف هستند، از جهت مذهب و عقیده مورد ضعف قرار گرفته‌اند، نه از حیث روایت، و این امر با وثاقت و راستگویی آنان در نقل روایت و حدیث منافات ندارد. بنابراین منظور شیخ از ثقه، وثوق در نقل روایت است و نه در مذهب. به عبارت دیگر، آن‌ها ملتزم بودند که از ثقه، خواه امامی و یا غیرامامی، روایت نقل کنند.

ج) عامل دیگر برخی از اشکالات، اشتراک راویان در اسم است که بین ضعیف و غیرضعیف مشترک است؛ مثل عبدالله بن محمد شامی که اسم دو نفر است، یکی ثقه و دیگری ضعیف، و همین امر سبب اشتباه شده است.

د) بعضی از کسانی که متهم به ضعف هستند، اولاً ضعف آن‌ها ثابت نشده است و ثانیاً تضعیف آنان با تعدیل دیگران تعارض دارد.

ه) برای حجیت مراسیل ابن ابی عمیر، تلاشی دیگر صورت گرفته که اگر صحیح باشد، انسان مطمئن می‌شود که واسطه حذف شده، از مشایخ ثقات او بوده نه از چند نفری که گفته شده، ضعیف‌اند، و آن این است که بر اساس تحقیقات به‌عمل آمده، تعداد روایات ابن ابی عمیر از افراد ضعیف در مقایسه با تعداد روایاتی که از ثقات نقل کرده است، جداً کم است؛ مثلاً از یک طرف می‌بینیم که از ابن ایوب ۵۸ روایت، از ابن اذینه ۱۵۰ روایت، از حماد ۹۶۵ روایت، از عبدالرحمن بن حجاج ۳۵ روایت، از معاویه بن عمار ۴۴۸ روایت، و از مشایخ دیگر روایات فراوانی نقل نموده است، ولی از طرف دیگر، از افراد ضعیف فقط یک یا دو و یا سه روایت بیشتر نقل نکرده است. چنان‌که روایاتی که او از ضعیفاء نقل کرده و در کتب اربعه آمده است، بسیار اندک است. بنابراین وقتی که روایات ابن ابی عمیر از ثقات چندین برابر بیشتر از روایت او از

افراد ضعیف باشد، انسان مطمئن می‌شود واسطه‌ای که در مراسیل حذف شده است، از ثقات است نه از افراد ضعیف، و شاید همین مقدار از اطمینان برای رفع اشکال کافی باشد. البته از این جهت که مراسیل وی در سراسر فقه وجود دارد، به‌ناچار برای انسان اعتقادی مبنی بر ضعیف بودن برخی از راویان محذوف و مجهول حاصل می‌شود؛ اما امثال این علم اجمالی، به شبهه غیرمحصوره که فاقد اثر است، شبیه‌تر است، چنان‌که علم به عدم صحت برخی از اخبار صحیحه نیز این‌گونه است و اثری بر آن مرتب نمی‌گردد (همان: ۲۱۱-۲۴۷).

۹- یکی از توثیقات عام کلام نجاشی درباره جعفر بن بشیر است: «روی عن الثقات ورووا عنه» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۱۹)؛ لذا برخی علما به وثاقت تمام کسانی که جعفر بن بشیر از آنان روایت نقل کرده است و نیز تمام کسانی که از جعفر بن بشیر روایت نقل کرده‌اند، اشاره نموده و به سخن نجاشی در رجالش استناد نموده‌اند (نوری طبرسی، ۱۴۱۷: ۴۷۷/۳؛ سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۴۷ و ۲۵۱-۲۵۲؛ وحید بهبهانی، ۱۱۹۰: ۱۴۷؛ مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۸۹/۱). این تفسیر زمانی صحیح است که بگوییم ظاهر کلام نجاشی حصر است و بدین معناست که: «لا یروی إلا عن الثقات ولا یروی عنه إلا الثقات» (گلی شیردار، ۱۳۹۶: ۲۲۵). البته برخی معتقدند از کلام نجاشی نمی‌توان استظهار کرد که همه روایات واقع در سند، ثقه هستند. به عبارت دیگر، اگر بگویند فلان شخص از ثقات نقل می‌کند، قدر متیقن شیخ بلاواسطه است و روایات بلاواسطه را شامل نمی‌شود (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹: ۶۲۵۴-۶۲۵۵)، لذا همان‌طور که قبلاً بیان شد، چون جعفر بن بشیر بلاواسطه از مفصل بن صالح نقل حدیث نموده است، از این طریق می‌توان به وثاقتش حکم نمود (همان: ۹۴۵/۳؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸/۷/۸).

ایراد: این مبنا نیز تمام نمی‌باشد (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۲۵۶-۲۵۷؛ همو، ۱۴۰۹: ۶۸-۶۹/۱؛ سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۵۲) و به عبارت دیگر، عبارت نجاشی ظهور در حصر ندارد؛ زیرا: اولاً؛ بسیار بعید است که فقط راویان ثقه از او روایت نقل کنند؛ چون چنین چیزی خارج از اختیار اوست و حتی از اکابر و ائمه علیهم‌السلام نیز در موارد بسیاری، افراد پست و دروغگو نقل روایت نموده‌اند. لذا نهایت چیزی که از این عبارت استفاده می‌شود، این است که غالباً چنین بوده است (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۶۸/۱؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۰) و

این صفت عالی‌ه‌ای برای شخص محسوب می‌شود؛ همچنان‌که در مقابل، بعضی از روایات مثل محمد بن خالد برقی به دلیل نقل از ضعفا و مجاهیل ذم شده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۵۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۰). لذا برخی از طرفداران این توثیق عام معتقدند که در مورد «ورووا عنه»، همین کافی است که عده‌ای از افراد ثقه از او روایت کنند و لازم نیست همه کسانی که از او روایت می‌کنند، ثقه باشند. اما در «روی عن الثقات»، این کافی نیست؛ زیرا آن وقتی مدح حاکی از جلالت است که از غیرثقه روایت نکند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۱۴).

ثانیاً؛ اینکه گفته شود جعفر بن بشیر فقط از ثقات روایت نقل می‌کند نیز صحیح نیست؛ زیرا اثبات روایت جعفر بن بشیر از ثقات، روایت او از غیرثقات را نفی نمی‌کند و به عبارت دیگر، اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۱۹-۲۰). دو شاهد این مطلب، گفتار شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۹۶-۱۹۷) و روایت جعفر (همان: ۲۹۶/۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۶۹/۳۰) از برخی روایاتی است که خود نجاشی (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۰۰)، آن‌ها را تضعیف کرده است (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۵۲؛ موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۶۸-۶۹).

۱۰- برخی فقها در رابطه با «مفَضِّل بن صالح» معتقدند به دلیل حضور وی در اسناد کتاب کامل الزیارات (ابن قولویه قمی، ۱۳۹۸: ۵۹، ۷۵ و ۳۲۳)، می‌توان گفت که او ثقه می‌باشد (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۱۸/۲۸۴ و ۱۹/۳۱۲؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۱/۱۴)؛ زیرا از روایانی است که مشمول یکی از توثیقات عامه رجالی، یعنی توثیق ابن قولویه می‌باشد. چون مستفاد از مقدمه کامل الزیارات (ابن قولویه قمی، ۱۳۹۸: ۴) این است که جمیع افراد واقع در سند، از ثقات‌اند و قهراً از این طریق می‌توان وثاقت حتی مشایخ باواسطه ابن قولویه را کشف کرد؛ زیرا ایشان تصریح می‌کند که در این کتاب، حدیثی نیآورده‌ام که از افراد شاذ روایت شده باشد و آنچه آورده‌ام، از طریق ثقات از اصحاب روایت شده است (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۹۴/۱۰/۲۸؛ سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۶۸-۲۶۹؛ ایروانی، ۱۴۳۷: ۳۵ و ۱۷۶؛ هاشمی، ۱۴۲۹: ۲۰۴).

ایراد: در جواب باید گفت، این قرینه صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا این مبنا مقبول نیست (صدر، ۱۴۰۸: ۲/۲۹۰؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۴/۱۳۴۰؛ همو، ۱۳۹۶/۱۲/۱۳؛ طباطبایی قمی، ۱۴۳۰: ۷/۴۵؛ گلی شیردار، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۱۰۳؛ ایروانی، ۱۴۳۷: ۳۵ و ۱۷۷؛ مهلوی، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۶؛ سبحانی،

۱۴۱۸: ۳۷۲؛ همو، ۱۴۲۰ الف: ۲۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ۲۱۸؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷: ۲۹۷)، لذا بنا بر گفته برخی علما، این ادعا که عبارت مؤلف کامل الزیارات به صورت واضح بر ثقه بودن تمام راویان موجود در سلسله سند کامل الزیارات تصریح داشته و به نوعی شهادت ایشان به وثاقت مفصل بن صالح می باشد، مورد قبول نیست؛ بلکه حق در اینجا همان است که محدث نوری گفته است مبنی بر اینکه کلام ابن قولویه تنها بر وثاقت مشایخ خودش - که روایات را مستقیماً از آن ها اخذ کرده است - دلالت دارد (نوری طبرسی، ۱۴۱۷: ۲۵۱/۳ و ۷۷۷: ۱۰۹/۷) که در میان آن ها نام مفصل بن صالح به چشم نمی خورد. برخی محققان نیز نظر محدث نوری را تقویت و دلایلی بر آن اقامه کرده اند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۷۰-۲۷۲؛ داوری، ۱۴۲۶: ۱۸۴/۱؛ گلی شیردار، ۱۳۹۶: ۱۰۳؛ ایروانی، ۱۴۳۷: ۳۵ و ۱۷۷: مهدوی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۵؛ هاشمی، ۱۴۲۹: ۲۰۸).

۱۱- برخی فقها در رابطه با «مفصل بن صالح» معتقدند که چون وی در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی حضور دارد (قمی، ۱۴۰۴: ۳۶۹/۱ و ۶۵/۲؛ ۲۸۱)، لذا می توان به توثیق وی حکم کرد (موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۲۸۴/۱۸؛ ۳۱۲/۱۹؛ حسینی خامنه ای، ۱۳۹۲/۱۰/۲۲ و ۱۳۹۸/۱۱/۱۴؛ زیرا عبارت علی بن ابراهیم در مقدمه تفسیرش (قمی، ۱۴۰۴: ۴/۱)، نوعی شهادت به وثاقت تمام راویان موجود در اسناد کتابش می باشد. در نتیجه می توان گفت وی از راویانی است که مشمول یکی از توثیقات عام رجالی، یعنی «توثیق راویان موجود در اسناد قمی» می باشد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۲/۳۰؛ ایروانی، ۱۴۳۷: ۳۴، ۱۷۲-۱۷۳؛ هاشمی، ۱۴۲۹: ۲۳۱-۲۳۰؛ مهدوی، ۱۳۹۱: ۳۶؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۳۳۷/۱؛ موسوی خویی، ۱۴۰۹: ۴۹/۱-۵۰؛ حسینی خامنه ای، ۱۳۹۲/۱۰/۲۲؛ ۱۳۹۵/۱۰/۶؛ همو، ۱۳۹۸: ۸، ۱۶۴-۱۶۵ و ۳۶۰-۳۶۱).

ایراد: این مبنا نیز ناتمام بوده و صحیح نیست (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۳۴۰/۴؛ ۱۷۵۱/۵؛ مهدوی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷) و این ادعا که عبارت علی بن ابراهیم در مقدمه کتابش به صورت واضح بر ثقه بودن تمام راویان موجود در سلسله اسناد آن تصریح دارد، مورد قبول نیست و بلکه تنها بر وثاقت مشایخ خودش دلالت دارد. برخی علما این نظر را تقویت نموده و نقدهای جدی به این توثیق عام وارد کرده اند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۷۸-۲۸۴؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۷۵۱/۵؛ ۱۷۵۱/۱۸؛ ۵۸۱۱/۵؛ همو، ۱۳۷۶: ۵۰/۱؛ ایروانی، ۱۴۳۷: ۳۴-۳۵، ۱۷۳ و ۱۷۴-۱۷۵؛ مهدوی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷؛ گلی شیردار، ۱۳۹۶: ۲۲۵؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۰۳/۴؛ علامه فانی اصفهانی، ۱۴۲۰: ۷۶).

در نتیجه به خاطر ضعف این مبنا و با توجه به عدم عدول آیه‌الله خویی از آن (ایروانی، ۱۴۳۷: ۷۸؛ هاشمی، ۱۴۲۹: ۲۳۱)، آیه‌الله شبیری زنجانی می‌گوید:

«خود آن مرحوم از نظر خویش درباره کامل الزیارات در اواخر عدول کردند. ای کاش درباره تفسیر قمی هم نظرشان برمی‌گشت؛ چون ضعیف‌تر از کامل الزیارات می‌باشد» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۷/۵۳۹۵).

نتیجه‌گیری

مفصل بن صالح، یکی از روایات کثیرالحديث در کتب روایی شیعه می‌باشد که بسیاری از احکام را روایت نموده است و علی‌رغم اعتقاد اکثر علما و فقهای امامیه به تضعیف وی، هریک از پنج دلیل ارائه‌شده برای تضعیفش که عبارت‌اند از: تضعیف نجاشی، تسالم اصحاب بر ضعف مفصل بن صالح، تضعیف ابن غضائری، روایت منقول از کتاب ابن غضائری و قول متأخران، واجد ایراداتی بوده و نمی‌تواند مبنای ضعف و جرح او قرار گیرد. لذا با ذکر یازده مورد از توثیقات عامه نظیر اصحاب امام بودن مفصل بن صالح، صاحب کتاب بودن وی، روایت مفصل بن صالح از بزرگان و اجلاء اصحاب، روایت بلاواسطه برخی بزرگان ثقات از مفصل بن صالح، کثیرالروایه بودن ابوجمیل، نقل کتاب ابوجمیل توسط حسن بن علی بن فضال، قاعده اصحاب اجماع، روایت مشایخ ثلاثه که جز از ثقات روایت نمی‌کنند، کلام نجاشی درباره جعفر بن بشیر، حضور مفصل بن صالح در اسناد دو کتاب کامل الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم قمی، که از این بین تنها کثرت نقل روایت اجلاء و روایت مشایخ ثلاثه بلاشکال هستند، قول به وثاقت او اقوی بوده و در نتیجه مفصل بن صالح، راوی ثقه و صحیح‌الحديث محسوب می‌گردد.

کتاب شناسی

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، *الذریعة الى تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن داود حلّی، تقی الدین حسن بن علی، *کتاب الرجال*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۳. ابن شهر آشوب سروی مازندرانی، ابوجعفر رشیدالدین محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب علیه السلام*، نجف اشرف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۴. ابن طاووس حلّی، رضی الدین ابوالقاسم سیدعلی بن موسی بن جعفر، *فلاح السائل ونجاح المسائل فی عمل الیوم واللیلہ*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۵. ابن غضائری، ابوالحسین احمد بن حسین بن عبیدالله بن ابراهیم واسطی بغدادی، *الرجال (کتاب الضعفاء)*، تحقیق سید محمد رضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق.
۶. ابن فهد حلّی، جمال الدین ابوالعباس احمد بن شمس الدین محمد، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۷. ابن قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف اشرف، دار المرتضویه، ۱۳۹۸ ق.
۸. اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان الی احکام الایمان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۹. ایروانی، محمدباقر، *دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری*، قم، راهیاب: نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیه السلام، مؤسسه نرم افزاری علوم اسلامی نور، ۱۴۲۷ ق.
۱۰. همو، *دروس تمهیدیة فی القواعد الرجالیه*، قم، ذوی القربی، ۱۴۳۷ ق.
۱۱. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، *رجال البرقی - الطبقات*، قم، قیوم، ۱۴۱۹ ق.
۱۲. تبریزی، جواد بن علی، *ارشاد الطالب الی التعليق علی المکاسب*، چاپ سوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. همو، *تنقیح مبانی العروة (کتاب الطهارة)*، قم، دار الصدیقة الشهیدة علیه السلام، ۱۴۲۶ ق.
۱۴. جعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۱۵. همو، *روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۲ ق.
۱۶. حائری یزدی، مرتضی بن عبدالکریم، *شرح العروة الوثقی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۶ ق.
۱۷. همو، *کتاب الخمس*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *الرجال*، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۷ ق.
۱۹. همو، *امل الامل فی علماء جبل عامل*، نجف اشرف، مطبعة الآداب، بی تا.
۲۰. همو، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. حسینی تفرشی، سید مصطفی بن حسین، *نقد الرجال*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ ق.
۲۲. حسینی حائری، سید کاظم، *اساس الحكومة الاسلامیة (دراسة استدلالية مقارنة بین الديمقراطية و الشوری و ولاية الفقیه)*، بیروت، مطبعة النیل، ۱۳۹۹ ق.
۲۳. همو، *القضاء فی الفقه الاسلامی*، قم، مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. حسینی خامنه ای، سیدعلی بن جواد، «درس خارج فقه»، تهران، راهیاب: جزوات درس خارج فقه دفتر معظم له و درس خارج فقه معظم له در پیام رسان ایتا و تقریرات مخطوط صالح منتظری، «قصاص»، ۱۳۸۰ ش: «مکاسب محرمة»، ۱۳۹۲ ش: «نماز مسافر»، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷ ش: «نماز جماعت»، ۱۳۹۸ ش.

۲۵. همو، *غناء و موسیقی (درسنامه غناء و موسیقی)*، متن درس خارج فقه در موضوع غناء و موسیقی، چاپ دوم، تهران، فقه روز وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۲۶. حسینی روحانی، سید محمدصادق، *فقه الصادق علیه السلام*، قم، راهیاب: نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت علیه السلام، مؤسسه نرم‌افزاری علوم اسلامی نور، ۱۴۱۲ ق.
۲۷. حسینی سیستانی، سیدعلی، *قاعدة لا ضرر ولا ضرار*، قم، دفتر معظم له، ۱۴۱۴ ق.
۲۸. داوری، مسلم، *اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق*، تقرير محمدعلی صالح معلّم، قم، مؤسسه المحبین، ۱۴۲۶ ق.
۲۹. سبحانی، جعفر، *الخمس فی الشريعة الاسلامیة الغراء*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق. (الف)
۳۰. همو، *الصوم فی الشريعة الاسلامیة الغراء*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق. (ب)
۳۱. همو، ترجمه کلیات علم الرجال، ترجمه علی اکبر روحی و مسلم قلی پور گیلانی، قم، قدس، ۱۳۸۹ ش.
۳۲. همو، «درس خارج فقه دیات»، قم، راهیاب: وبگاه مدرسه فقهات، ۱۳۹۶ ش.
۳۳. همو، *ضیاء الناظر فی احکام صلاة المسافرين*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.
۳۴. سلطانی، مسعود، *یادداشت‌های تاریخی و دینی*، راهیاب: کانال تلگرامی شیعه پژوهی، ۱۴۰۰ ش.
۳۵. سند بحرانی، محمد، *بحوث فی مبانی علم الرجال*، تقرير محمد صالح تبریزی، چاپ دوم، قم، مدین، ۱۴۲۹ ق.
۳۶. سیفی مازندرانی، علی اکبر، *دلیل تحریر الوسیلة (الخمس)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۷ ق.
۳۷. شبیری زنجانی، سید محمد جواد، «در حاشیه دو مقاله»، *دوماهنامه آینه پژوهش*، سال هشتم، شماره ۴۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۶ ش.
۳۸. همو، «درس خارج اصول»، قم، راهیاب: وبگاه مدرسه فقهات، ۱۳۹۶ ش.
۳۹. شبیری زنجانی، سید موسی، «درس خارج اصول»، قم، راهیاب: وبگاه مدرسه فقهات، ۱۳۹۵ ش.
۴۰. همو، «درس خارج رجال»، اصفهان، نشر دیجیتال مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه، ۱۳۶۲-۱۳۶۳ ش.
۴۱. همو، «درس خارج فقه»، قم، راهیاب: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم له، ۱۳۹۳ ش.
۴۲. همو، *جرعه‌ای از دریا*، کانال زیده الفوائد برای نشر مبانی حدیثی و رجالی، بی تا.
۴۳. همو، *کتاب نکاح*، تقریرات درس خارج فقه، قم، رای پرداز، ۱۴۱۹ ق.
۴۴. شوشتری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴۵. صدر، سید محمد باقر، *بحوث فی شرح العروة الوثقی*، قم، مجمع الشهداء آية الله الصدر العلمی، ۱۴۰۸ ق.
۴۶. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، *مصباح المنهاج (کتاب الصوم)*، قم، دار الهلال، ۱۴۲۵ ق.
۴۷. طباطبایی قمی، سید تقی، *مبانی منهاج الصالحین*، قم، محلاتی، ۱۴۳۰ ق.
۴۸. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *الرجال*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۳ ق.
۴۹. همو، *العدة فی اصول الفقه*، تحقیق محمد رضا انصاری قمی، قم، ستاره، ۱۴۱۷ ق.
۵۰. همو، *الفهرست*، نجف اشرف، المكتبة الرضویه، بی تا.
۵۱. همو، *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۵۲. عاملی جزینی (شهید اول)، شمس الدین محمد بن جمال الدین مکی، *ذکری الشیعة فی احکام الشریعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۹ ق.

۵۳. علامه حلی، ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال، قم، راهیاب: نرم‌افزار درایة‌النور، مؤسسه نرم‌افزاری علوم اسلامی نور، بی‌تا.
۵۴. همو، نهاية الوصول الى علم الاصول، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۴۲۵ ق.
۵۵. علامه فانی اصفهانی، سیدعلی، بحوث فی فقه الرجال، تقریر سیدعلی حسین مکی عاملی، قم، چاپخانه مهر، ۱۴۲۰ ق.
۵۶. فاضل آبی، زین‌الدین حسن بن ابی‌طالب یوسفی، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۵۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، راهیاب: نرم‌افزار جامع الاحادیث، مؤسسه نرم‌افزاری علوم اسلامی نور، ۱۴۰۴ ق.
۵۸. کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین بن عبدالعالی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم، مؤسسة آل‌البيت علیه‌السلام للاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۵۹. کشی، ابوعمر و محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، قم، راهیاب: نرم‌افزار درایة‌النور، مؤسسه نرم‌افزاری علوم اسلامی نور، بی‌تا.
۶۰. گرامی قمی، محمدعلی، «درس خارج رجال» (تقریرات جلسه ۲۳)، قم، راهیاب: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم‌له، ۱۳۹۴ ش.
۶۱. گلی شیردار، محمدحسن، تحریر قاعده درخمن، تهران، دانشگاه عدالت، ۱۳۹۶ ش.
۶۲. لاری، سید عبدالحسین، التعلیقة علی ریاض المسائل، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق.
۶۳. مازندرانی حائری، ابوعلی محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم، مؤسسة آل‌البيت علیه‌السلام للاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ق.
۶۴. مازندرانی خواجه‌ویی، محمد اسماعیل بن حسین بن محمد رضا، الفوائد الرجالیه، تحقیق سیدمه‌دی رجایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۳ ق.
۶۵. مجلسی اول، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، کوشانور، ۱۴۰۶ ق.
۶۶. مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۶۷. محقق حلی، نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن، المعتمد فی شرح المختصر، قم، مؤسسة سیدالشهداء علیه‌السلام، ۱۴۰۷ ق.
۶۸. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، مؤسسة آل‌البيت علیه‌السلام للاحیاء التراث، ۱۴۲۷ ق.
۶۹. محمدی ری‌شهری، محمد، «درس خارج فقه»، تهران، راهیاب: وبگاه مدرسه فقا‌هت و پایگاه اطلاع‌رسانی معظم‌له، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ ش.
۷۰. مدرسی یزدی، سیدعباس، نموذج فی الفقه الجعفری، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ ق.
۷۱. مدنی کاشانی، رضا، کتاب القصاص للفقهاء و الخواص، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۷۲. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهة (کتاب الخمس و الانفال)، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۴۱۶ ق.
۷۳. موحد ابط‌حی، سیدمحمدعلی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، قم، فرزند مؤلف (سیدمحمد)، ۱۴۱۷ ق.

۷۴. موسوی خمینی، سیدروح الله، کتاب الطهارة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ ق.
۷۵. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، التفتیح فی شرح العروة الوثقی، تقریر میرزا علی تبریزی غروی، قم، لطفی، ۱۴۱۸ ق.
۷۶. همو، المستند فی شرح العروة الوثقی (الخمس)، قم، راهیاب: نرم افزار جامع فقه اهل بیت (علیهم السلام)، مؤسسه نرم افزاری علوم اسلامی نور، بی تا.
۷۷. همو، فقه الشیعة (کتاب الطهارة)، تقریر سید محمد مهدی موسوی خلخالی، قم، آفاق، ۱۴۱۸ ق.
۷۸. همو، مبانی العروة الوثقی، تقریر محمد تقی خویی، قم، مدرسه دار العلم - لطفی، ۱۴۰۹ ق.
۷۹. همو، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، قم، دفتر معظم له، ۱۴۰۹ ق.
۸۰. همو، موسوعة الامام الخوئی، قم، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.
۸۱. همو، موسوعة الامام الخوئی (مبانی تکملة المنهاج)، قم، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، راهیاب: نرم افزار جامع فقه اهل بیت (علیهم السلام)، مؤسسه نرم افزاری علوم اسلامی نور، ۱۴۲۲ ق.
۸۲. مهدوی، حسن، سهل بن زیاد در آئینه علم رجال، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، ۱۳۹۱ ش.
۸۳. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس، فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۸۴. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، خاتمة المستدرک، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.
۸۵. وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، تعلیقة علی منهج المقال، نسخه خطی، کاتب: محمد حسن بن محمد معصوم قزوینی، ۱۱۹۰ ق.
۸۶. هاشمی، سید هاشم، اضواء علی علمی الدرایة و الرجال، قم، دار التفسیر، ۱۴۲۹ ق.
۸۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود، «درس خارج فقه کتاب الزکاة»، قم، راهیاب: پایگاه اطلاع رسانی معظم له، ۱۳۸۸ ش.